

دعای روز بیست و ششم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُوراً وَ ذَنْبِي فِيهِ مَغْفُوراً وَ عَمَلِي فِيهِ مَقْبُولاً وَ عَيْبِي فِيهِ مَسْتُوراً يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ؛ ای خدا در این روز سعیم را در راه طاعتت بپذیر و جزای خیر عطا فرما و گناهم را در این روز ببخش و عملم را مقبول و عیبم را مستور گردان، ای بهترین شنوای صدای خلق

ماه
رمضان
شهر رمضان

کارنامه رمضان

اندکی در خود نگر، تا کیستی؟ از کجایی؟ در کجایی؟ چستی؟...
امسال هم ماه رمضان دارد به پایان می‌رسد، با همه شربنی‌هایش، با همه فرازها و نشیب‌هایش، رنج‌ها و شادی‌هایش.
ماهی که برای عده‌ای ماه رشد و پیشرفت و تکامل بود، و برای عده دیگر، ماه عقب‌گرد یا در جا زدن و رکود! کسانی آبرو یافتند، و کسانی آبرو باختند. ما در کجای زمان ایستاده‌ایم؟... بیایید برگردیم و نگاهی به خویشتن کنیم، به کارها و رفتارمان، به اخلاق و عملکردمان، به آموخته‌ها و اندوخته‌هایمان، به حرف‌ها و نیاتمان، به پیوستن‌ها و گسستن‌هایمان، به دیده‌ها و گفته‌ها و شنیده‌هایمان! به قول مولانا:

روزها فکر من این است و همه شب سخنم

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

راستی از کدام خواسته دل و هوای نفس، به خاطر خدا و در راه رضای او دست کشیدم؟ کدام خصلت ناپسند را از خود، دور کردم؟ کدام عادت زشت را ترک نمودم؟ چند بار، نمازی خواندم که «حضور قلب» و «یاد خدا» در سراسر آن بود؟ چند بار، به‌خاطر خدا، از صحنه‌ها و زمینه‌های «گناه» دوری جستیم؟ چند جلد کتاب خوب و سازنده مطالعه کردم؟ چند مسأله لازم و ضروری از «احکام شرعی» آموختم؟ سراغ کدام یک از بستگان و فامیل رفتم که با ما قطع رابطه کرده بودند؟

من و تو، مسئول عمر، زمان، فرصت‌ها و استعدادهای خویشیم.

آیا «گذشته» مان به امید آینده، و «آینده» مان به حسرت گذشته خواهد گذشت؟!

هرگز چنین مباد!...

جواد محدثی، از همدلی تا همراهی، ج ۳.

مهمان نوازی

پیامبر خدا ﷺ مهمان‌دوست و مهمان‌نواز بود تاجایی که از مهمان به‌عنوان راهنمای بهشت یاد می‌کرد و می‌فرمود: هر خانه‌ای که در آن مهمانی وارد نشود فرشتگان وارد آن خانه نمی‌شوند.

او متقابلاً به دعوت مسلمانان و حتی بردگان لبیک می‌گفت و هیچ غذایی را کم نمی‌شمرد. رسول خدا ﷺ خودش از مهمانان پذیرایی می‌کرد چنان که در تاریخ آمده است هنگامی که کاروان فرستادگان نجاشی در مدینه به حضور رسول خدا ﷺ وارد شدند، آن حضرت برخاست و خودش به آنان خدمت کرد.

توبه از حق الناس

کسی که حقی از مردم ضایع کرده است و اموال دیگران را به باطل خورده است یا دزدی، حیف و میل، ربا، رشوه و ... در زندگی خود داشته است، اولاً باید توبه کند و پشیمانی خود را در محضر پروردگار عالم اظهار نماید، ولی این موارد نیز نیاز به جبران دارد. باید حق الناس را به صاحب آن برگرداند. اگر هم صاحب آن مال را پیدا نکرد و دسترسی به او نبود، باید با حاکم شرع در میان بگذارد. اگر هم واقعاً سرمایه‌ای جهت جبران حق الناس ندارد، باید توبه کند و تصمیم جدی بگیرد که هر وقت توانست مال مردم را به آن‌ها برگرداند و اگر هم تا آخر عمر بر این تصمیم واقعی بماند و توان پرداخت بدهی خود را نداشته باشد، در روز قیامت پروردگار عالم آن بستانکار را راضی خواهد کرد. کسانی هم که در ادای دیون شرعی نظیر خمس و زکات و کفارات، کوتاهی کرده‌اند، باید توبه کنند و در مورد نحوه پرداخت بدهی خود، به حاکم شرع مراجعه نمایند. خلاصه، بن‌بست در اسلام نیست. کسی نمی‌تواند بگوید دیگر فایده ندارد و من بخشیده نمی‌شوم؛ این غلط است و همه باید توبه کنند و به هر روشی که می‌توانند جبران حق الله یا حق الناس را بنمایند یا در صورت عدم توان، تصمیم جدی برای جبران بگیرند.

ر.ک: بخش توبه از اصول اعتقادی توضیح المسائل حضرت آیت الله حسین مظاهری

احکام روزه

شخصی به مدت ده سال بر اثر جهل نماز نخوانده و روزه نگرفته است، فعلاً توبه نموده و به سوی خدا بازگشته و تصمیم بر جبران آن‌ها گرفته است، ولی توانایی قضای همه روزه‌های فوت شده را ندارد و مالی هم ندارد که با آن کفاره‌هایش را بپردازد، آیا صحیح است که فقط به استغفار اکتفا کند؟
قضای روزه‌های فوت شده در هیچ صورتی ساقط نمی‌شود، ولی نسبت به کفاره افطاری عمدی روزه ماه رمضان، چنان‌چه قدرت بر روزه دو ماه و یا اطعام شصت مسکین برای هر روز نداشته باشد، باید به هر تعداد فقیر که قادر است غذا بدهد و احتیاط آن است که استغفار نیز بکند و اگر به هیچ وجه قادر به دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند یعنی با دل و زبان خود بگوید: «استغفر الله (از خداوند بخشایش می‌طلبم)».

اجوبه الاستفتائات مقام معظم رهبری

پیامبر ﷺ می فرماید: «وَأَرْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالذُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ يُنْظَرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ يُجِيبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ وَيُلَبِّسُهُمْ إِذَا سَادَوْهُ وَيُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ؛ دست‌های خودتان را در وقت‌های نماز برای دعا به سوی او بالا برید، برای این که این وقت، بهترین زمان [برای دعا] است که خداوند عزوجل به بندگانش نظر رحمت می‌افکند. اگر از او درخواست کنند جوابشان می‌دهد و اگر او را بخوانند می‌پذیرد و درخواست آن‌ها را می‌دهد و اگر دعا کنند مستجاب می‌گرداند».

الأمالي (للصدوق)، مجلس بیستم، ص ۹۴.

مراحل راهبردی اخلاق، از منظر امام خمینی

امام خمینی^{ره} برای تهذیب و ترکیه نفس و سیر و سلوک اخلاق، مراحل را بر می‌شمارد که با منازل سیر و سلوک و مراتب خودسازی که اهل اخلاق شمرده‌اند، اندکی تفاوت دارد. اصحاب اخلاق و عرفان، چهار منزل، هفت منزل، چهل میدان تا صد مرحله، بیش و کم شمرده‌اند، اما امام مراحل (مجاهده با نفس) را چهار مرتبه دانسته است:

۱. تفکر

«بدان که اول شرط مجاهده با نفس و حرکت به جانب حق تعالی تفکر است... و تفکر در این مقام عبارت است از آن که انسان لااقل در هر شب و روزی مقداری - و لو کم هم باشد - فکر کند در اینکه آیا مولای او که او را در این دنیا آورده و تمام اسباب آسایش و راحتی را برای او فراهم کرده، و بدن سالم و قوای صحیح که هر یک دارای منفعتی است که عقل هر کس را حیران می‌کند به او عنایت کرده، و این همه بسط بساط نعمت و رحمت کرده، و از طرفی هم این همه انبیا فرستاده و کتاب‌ها نازل کرده و راهنمایی‌ها نموده و دعوت‌ها کرده، آیا وظیفه ما با این مالک الملوک چیست؟»

هم‌چنین امام می‌فرماید: «بدان که از برای تفکر، فضیلت بسیار است، و تفکر، مفتاح ابواب معارف و کلید خزائن کمالات و علوم است؛ و مقدمه لازمه حتمیه سلوک انسانیت است، و در قرآن شریف و احادیث کریمه تعظیم بلیغ و تمجید کامل از آن گردیده...».

۲. عزم

در مسیر مجاهده با نفس، دومین منزل، عزم است که عبارت است از: «بناگذاری و تصمیم بر ترک معاصی، و فعل واجبات، و جبران آنچه از او فوت شده در ایام حیات، و بالأخره عزم بر این که انسان، ظاهر و صورت خود را عقلی و شرعی نماید.» امام خمینی^{ره} می‌نویسد: «ای عزیز، بکوش تا صاحب عزم و دارای اراده شوی، که خدای نخواسته اگر بی‌عزم از این دنیا هجرت کنی، انسان صوری بی‌مغزی هستی که در آن عالم به صورت انسان محشور نشوی، زیرا که آن عالم محل کشف باطن و ظهور سریره است. جرأت بر معاصی کم‌کم انسان را بی‌عزم می‌کند و این جوهر شریف را از انسان می‌رباید.» امام، دومین منزل تهذیب را مستند به این آیه

قرآن می‌داند که خداوند به پیامبر ﷺ فرموده است: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ».

۳. مشارطه، مراقبه و محاسبه

«مشارطه آن است که در اول روز مثلاً با خود شرط کند که امروز برخلاف فرموده خداوند تبارک و تعالی رفتار نکند، و این مطلب را تصمیم بگیرد... پس از این مشارطه وارد مراقبه شوی و آن چنان است که در تمام مدت شرط، متوجه عمل به آن باشی و خود را ملزم بدانی به عمل کردن به آن؛ و اگر خدای نخواسته در دلت افتاد که امری را مرتکب شوی که خلاف فرموده خداست، بدان که این از شیطان و جنود اوست که می‌خواهند تو را از شرطی که کرده‌ای باز دارند.

... و به همین حال باش تا شب که موقع محاسبه است، و آن عبارت است از این که حساب نفس را بخشی در این شرطی که با خدای خود کردی که آیا به جا آورد، و با ولی نعمت خود در این معامله جزئی خیانت نکردی».

۴. تذکر پیوسته

از امور دیگری که انسان را در مجاهده با نفس و شیطان بسیار کمک می‌کند و انسان سالک باید از آن بهره فراوان ببرد، «تذکر» است و به فرموده امام «یاد خدای تعالی و نعمت‌هایی که به انسان مرحمت فرموده».

جناب خواجه عبدالله می‌فرماید: «... تذکر، فوق تفکر است، زیرا که این طلب محبوب است، و آن حصول مطلوب تا انسان در راه طلب و دنبال جست‌وجوست، از مطلوب محجوب است.» قرآن می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلَنَا ... کسانی که در راه ما بکوشند، به راه‌های خویش هدایت‌شان می‌کنیم».

غفلت از یاد حق تعالی و اشتغال به لهو و لعب و هوس‌های نفسانی و خواسته‌های دنیایی سخت‌ترین آفت و جدی‌ترین مانع در راه رستگاری است. این عامل به طور کلی انسان را از حقیقت باز می‌دارد: «اگر نفوس، یکسره متوجه دنیا و تعمیر آن باشند و منصرف از حق باشند، گرچه اعتقاد به مبدأ و معاد هم داشته باشند، منکوس هستند، و میزان در انتکاس قلوب، غفلت از حق و توجه به دنیا و تعمیر آن است».

رساله چهل حدیث امام خمینی^{ره}

توجه به نعمت‌ها، نه کمبودها

ما گاهی وقت‌ها یک چیزی را که نداریم برجسته می‌کنیم و به داشته‌هایمان توجهی نداریم. فردی می‌شناختم که چشم نداشت، دست و پا هم نداشت. مرتب می‌گفت: الحمدلله رب العالمین! الحمدلله! گفتند: آقا! تو چه داری که الحمدلله می‌گویی؟ نه چشم داری. نه دست داری. نه پا داری. یک تکه گوشت فلج، گفت: می‌دانی خدا من را چه کرده است؟ هر کس به من نگاه می‌کند می‌گوید: الحمدلله رب العالمین! پس من وسیله شدم و رابطه شدم بین مخلوق و خالق! مخلوق‌های غافل، به من نگاه می‌کنند. از غفلت درمی‌آیند و الحمدلله می‌گویند. پس من واسطه‌ی فیض شدم.

سایت حوزه، حجت الاسلام قراتی

شوخی طبعی جبهه

غصه نخور می‌روم خط برای می‌آورم برای این که مجروحان دردشان یادشان برود و جراحت و نقص عضو خیلی نمود نداشته باشد، وقتی در رفت و آمد و کار و استراحت مشکلی پیدا می‌کردند به هر کدام، مناسب حالشان چیزی می‌گفتند. عباراتی مثل: «سرت درد می‌کند؟ غصه نخور می‌روم خط یک سر نو برای می‌آورم، پایت مجروح شده؟ بکن بینداز دور برو از خط یک پای قشنگ بردار.» «دست قطع شده؟ عیبی نداره رفتیم عملیات یک دست قوی و سالم می‌آوریم».

پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ ایثار و شهادت